

از مسلمانی و آداب آن برای برحق بودن اسلام نه برای میل این و آن پیروی کنیم و به لوازم آن فقط از ترس خدا و معاد - نه مقتضیات دنیوی و سیاسی عمل نماییم.

دکتر مصدق

اتحاد بزرگ

شماره ۲۷ پنجشنبه ۲۵ مردادماه ۱۳۵۸

تک شماره ۱۰ ریال

هم میهن

هفته نامه جبهه ملی ایران ، هیچگونه بستگی با سازمان کنونی جبهه ملی ندارد

چه دستهایی ما را به جان یکدیگر می اندازد؟

چماق تکفیر بر سر هر باایمانی نکوبیم و هر تمنائی را سر کوب نکنیم

در جهنم خودبینی ها و به خود اندیشیدن ها ، با این همیشه های همه جا پراکنده ، به فرزندانمان بیندیشیم

این چنین سرسام زده و بی منطق به کجا می رویم؟! در سراسیمه این سقوط دردناکچه دستهایی ما را تشویق به دویدن می کند؟! یکی چماق در دست و دیگری گاز اشکآور در جیب رودروی یکدیگر چه می خواهیم؟! آنها که ما را به این مپله کی سوزان کشانده اند و خود به گوشه امنی خزیده به انتظار روزهای وحشت نشسته اند، گیانده؟! در چنین خودبینی ها و به خود اندیشیدن ها، با این همیشه های همه جا پراکنده کمی به فرزندانمان به پیرو دخترهای کوچکمان که دستهای نازکشان را بدست گرفتیم و در میدان آتش و خون بی هراس از تپیدن های بر دلبری قلبهایشان به دماغ از آزادی و استقلال بسرخاستیم، بیندیشیم!!

به نام آزادی و به خاطر آزادی، بندها را محکمت نکنیم. چماق تکفیر بر سر هر باایمانی نکوبیم، هر فریادی را پاسخ نگوئیم، و هر تمنائی را سرکوب نسازیم.

ما در بحرانی ترین روزهای انقلاب با تیزهوشی و درست اندیشی، رشد سیاسی خود را به جهانیان نشان دادیم، امروز بر سر هیچ و پوچ ایشان خود را، مبین به آتش نشستی خود را، زندگی نرسدی کودکان خود را به بازی نگیریم. ایسن بقیه در صفحه ۴

ای آفریدگار پاک! تو را پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

روز قدس

نمایش همبستگی ملت های مسلمان برای آزادسازی فلسطین

استعمار شوم غریبان در سرزمین های اسلامی ، با روش های گوناگون رخنه کرده تجزیه، اشغال نظامی و سیطره سیاسی ، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را می توان از آن جمله دانست.

یکی از سرزمین های کشف شده به زیر سلطه بیگانه، فلسطین است که زندگی مردم آن در چنددهه گذشته از دردناک ترین رخدادهای تاریخ بشر بشمار می آید. این سرزمین دیران و پایگاه رزمندگان ضد صلیبی که همواره بگونه سپر پاسداری آسیا در تاریخ، نقش داشته است پس از جنگ جهانی نخست با متلاشی شدن امپراطوری عثمانی، زیر سیومیت دولت انگلیس قرار گرفت که در سال ۱۹۱۷ با انتشار اعلامیه بتکین «بالفور» ایجاد «کانون ملی» بود، در رد خاک فلسطین نوید داده بود، با برقراری سلطه خود بگونه عامل اصلی در هم زدن زندگی مردم این سرزمین وارد عمل شد.

اعتراض های بیایی فلسطینی ها که با شیوه های گوناگون انجام گرفت بجایی نرسید و امپریالیسم انگلستان با پشتیبانی سیاسی، نظامی و مالی گروه های تروریستی صهیونیست را نیرو بخشد و زمینه ساز کشتارهای فردی و جمعی آزادبخواهان دل بسته به زادگاه خویش گردید. در پایان جنگ جهانی دوم، شروع نهضت های راهی بخش میهنی و افزایش

جهان اسلام پس از علی (ع) عدالت راستین را ندید

علی ، رادرد همیشه پایدار تاریخ اسلام، شیفته ترین شیفتگان عدالت، مظهر دلوری و رادردی، در شب نوزدهم رمضان سال ۴۰ هجری قمری بدست ابن ملجم مرادی، با شمشیر به زهر آلوده زخمی گسالتیام ناپذیر برداشت، زخمی گسالتی دردناک پس از قرن ها هنوز بر سیمای اسلام باقی است.

پس از علی، جهان اسلام هرگز روی عدالت راستین را بخود ندید، و پس از او سلطه امویان و عباسیان چه ها که بروزگار اسلام نیارود.

پس از علی، ایرانیان تازه مسلمان شده پیش از پیش متوجه چهره بارز علی شدند و پیروی از شیوه علی، یکباره دواین سرزمین گسترش چشمگیر یافت، چرا چنین شد؟ چرا پرغم فشارها و اختناق و دیکتاتوری چنین دستگاه خلفای اموی و عباسی ، ایرانیان این چنین اراتمند علی و خاندان او شدند؟ همه خطرها را به جان خریدند تا شیعه علی باشند؟

آیا اسلام راستین را در شیوه علی می دیدند؟ آیا برای شاه خالی کردن از یوغ جباران و سردمداران دواغین اسلام، پیروی از علی و اندیشه های تابناکش را تنها راه نجات میدانستند؟ آیا روحیه واپس زدن ستم و دوستداری از عدالت ایرانیان سبب این همه ادرات و نزدیکی به علی بود؟ آنچه ما در این فرصت اندک می توانیم بگوئیم این است که شکست علی، نه تنها شکست واقعی عدالت نبود، بل روحیه عدالت خواهی و نبرد با ستم را در جهان اسلام، و به ویژه در ایران سبب مذهب تقویت کرد، و آنچنان استحکام بخشید که ما بارها و بارها در تاریخ شاهد قیام های بزرگ ایرانیان بر علیه ستم سلطه مسلمانان دواغین بودیم. اگر هر سال در شبهای ۲۱ و ۲۲ رمضان به سوگ این بزرگمرد تاریخ اسلام می نشینیم، نه برای ندم و زاری بر مرگم آرد و تلخ اوست که به احترام همه انسان های خوب و از دست رفته ای است که در خلال قرن ها بی عدالتی، تازیانه دژخیمان را بر کرده زخمی و آسیب دیده شان تحمل کردند، و با ناگامی دنیای تاریکشان را ترک گفتند، امسام، شبهای سوگواری شهادت علی را در حالی برگزار کردیم که استقرار جمهوری اسلامی تازه بشیان ملت ایران، نوید جایگزینی عدالت را در سرزمینمان به همراه دارد، عدالتی که پس از علی، ایرانیان مسلمان در راه بدست آوردنش تلاش ها کردند، انتظارها کشیدند، ناگامیها بردند و جانها فدا کردند.

بگوئیم تا با درست اندیشی و درست کرداری، در راه دستیابی به عدالت واقعی نه تنها خون تازه شصت هزار شهید ایرانی را به هنر ندیم، بلکه در برابر روان شهیدان سراسر تاریخمان نیز سربلند و گردن فراخته باشیم.

مرد در اختیار گرفتن خانه های خالی تا سه ماه دیگر را رد کرد و یادآور شد که برای اجرای چنین تصمیمی نیاز به قانون است و دولت با توجه به تمام مقتضات نسبت به آن عمل خواهد کرد. این بار نیز چون دفعات گذشته تصمیمی از سوی مراکز متعدد قدرت گرفته سپس اعلام شد و دولت بایک تکلیف نامه وارد عمل گردید و تصمیم بنیاد مسکن را رد نمود. لیکن گاهی به پی آمد این تصمیم حقیقی تلخ را آشکار میکند که تنها اثر آن بقیه در صفحه ۴

آن روز سیاه کودتا

گسترش دامنه مبارزات آزادبخواهان و استقلال طلبانه مردم ایران به رهبری دکتر مصدق می رفت تا به پیروزی نهایی قطع کامل سلطه بیگانگان انجامد، فریاد آزادبخواهی ما چنان فضای زندگی سیاسی ملت های آسیا و آفریقا را دگرگون کرد که امید مرث یکباره چهره ی بهم نشسته ای این سرزمین را روشنی آفتاب درخشان استقلال و آزادی از هم بشکند و بدینا زندگی آزاد و سربلند ارزانی دارد.

موج دواغینونی این حرکت، سلطه گران جهانی را سخت به وحشت اندکند و هنگامی که همه توطئه ها بهمد تیزهوشی و درست اندیشی مردم مبارز و در سایه رهبری مصدق بزرگ به شد توطئه بدل شد، نقشه ی شوم تروریست ها نافرجام ماند. دسیسه ی سیام تیر که به رهبری لست فرانسوئری پهلوی به اجرا گذاشته شده بود، شکست خورد، محاصره اقتصادی از برکت همت پارهنه ها، زنان و مردان تپ دست دهم شکست، از تحریک و تحریف و ناجوانمردی و هر روز مبین را بصحنه ی نبرد داخلی بدل کردن، کاری ساخته نشد، آنگاه روز شهم تیرماه ۱۳۳۲ در واشنگتن

چند سازمان از سوی گروهی از مردم مورد حمله قرار گرفت، راه پیمانی ها در این هفته و با بهانه های مختلف ادامه یافت و چند مغازه به عنوان گرانفروشی مورد تهاجم قرار گرفت. در چندشیر تظاهرات خونین روی داد که هرکدام دلیلی جدا از دیگری داشت و مسئول چها دسازندگی در یک استان به قتل رسید و همه حوادث در مدتی کمتر از یک هفته روی داده است. سکوتی که دولت در این مورد

وظایفی که در هم ادغام شد

تکتم حداقل مجبوریم برای رفع آن هرچه سریعتر بکوشیم زیرا ادامه کار گروهی با پس گرفتن ساختن آنها، مجازات گرانفروشان و حل مسائل اجتماعی به عهده دولت است که اگر این وظیفه بخوبی انجام نپذیرد، در هم خوردن گروهها، مغازه ها، سازمانها و هرکدام با بهانه های متفاوت و از سوی تعداد معدودی از مردم راهی بسوی آینده روشن نیست. مریاد

تکتم در این مورد

نه زن، نه مرد که کودکان نیز ایمن از یک تازی های بی امانش نبودند!! چه خوب بود اگر فریاد هم میهنان دستهایی را که در فاجعه ی نجف آباد با سطور آن اهریمنان قطع شدند! چه خوب بود اگر فریاد هم میهنان آبادانی خود را در آن شب هولناک آتش بقیه در صفحه ۴

مفهوم دیگری از «وحدت کلمه»!

مسکن جهت سالی آینده نیز در نظر گرفته میشود. چه بهرحال دولت مسئولیت دارد نه هیچ مقام دیگری و براین اساس است که میگوئیم اگر بنیاد مستضعفین نیز چنین طرح و تصمیمی داشت میبایستی با دولت هماهنگ میکرد و سرانجام تصمیم اتخاذ شده از سوی دولت با بررسی و مطالعه کافی به مردم اعلام میشد نه آنکه یک جانبه و آتم بدون در نظر گرفتن بی آمدهای آن از سوی بنیاد مسکن، به همین دلیل نیز وزارت مسکن و شهرسازی طی اطلاعیه ای تصمیم بنیاد مستضعفین در

آن روز سیاه کودتا

گسترش دامنه مبارزات آزادبخواهان و استقلال طلبانه مردم ایران به رهبری دکتر مصدق می رفت تا به پیروزی نهایی قطع کامل سلطه بیگانگان انجامد، فریاد آزادبخواهی ما چنان فضای زندگی سیاسی ملت های آسیا و آفریقا را دگرگون کرد که امید مرث یکباره چهره ی بهم نشسته ای این سرزمین را روشنی آفتاب درخشان استقلال و آزادی از هم بشکند و بدینا زندگی آزاد و سربلند ارزانی دارد.

خدا عاقبتمان را به خیر کند!

دوره ای بود که به ملت و ملتیمان افتخار می کردیم و از ایرانی یا مسلمان بودن فقط یکی را انتخاب نمی کردیم. ایسن خصائل و خصائص در دوره گذشته مورد تهاجم قرار گرفت، انقلاب کردیم که از گرداب نجات یابیم. خودمان را گول نزنیم چندی است پیوند نامرتبی میان گروه های مختلف که باعث پیروزی انقلاب ملت ما شد از هم گسیخته است. ارشاد و امر به معروف با چماق و مشت نه تنها میسر نمی شود بلکه جنبه های دیگر نیز بخود میگیرد و خوی انسانی مردم دچار دگرگونی خواهد شد. مردم حس همدردی و هم پیمانی خود را از دست می دهند و دین واسطه قرار میگیرد. متن در صفحه ۳

چند سازمان از سوی گروهی از مردم مورد حمله قرار گرفت، راه پیمانی ها در این هفته و با بهانه های مختلف ادامه یافت و چند مغازه به عنوان گرانفروشی مورد تهاجم قرار گرفت. در چندشیر تظاهرات خونین روی داد که هرکدام دلیلی جدا از دیگری داشت و مسئول چها دسازندگی در یک استان به قتل رسید و همه حوادث در مدتی کمتر از یک هفته روی داده است. سکوتی که دولت در این مورد

وظایفی که در هم ادغام شد

تکتم حداقل مجبوریم برای رفع آن هرچه سریعتر بکوشیم زیرا ادامه کار گروهی با پس گرفتن ساختن آنها، مجازات گرانفروشان و حل مسائل اجتماعی به عهده دولت است که اگر این وظیفه بخوبی انجام نپذیرد، در هم خوردن گروهها، مغازه ها، سازمانها و هرکدام با بهانه های متفاوت و از سوی تعداد معدودی از مردم راهی بسوی آینده روشن نیست. مریاد

تکتم در این مورد

انتکوهای زنان کارگر، گوشواره های دختران جوان و کوچک تر کردن سفره ی خانه هایمان ادامه می دادیم، چگونه دشمن به شکست و تلاشی کشانید و زندگی ما را بیست و پنج سال زیر سیطره ی شوهر خانمان براندازش تلخ تر از تلخ کرد. چه خوب بود اگر کلاهمان را قاضی می کردیم، خود، داور اندیشه ها و رفتارهایمان

چرا هوشیار نیستیم؟

تگاهی گذرا به آنچه در منطقه رخ می دهد ما را بر آن خواهد داشت که هوشیار باشیم و تکبیران راستین مرزهای ایران زمین. پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در منطقه با واکنش های گوناگونی روبرو شد آنها که تا دیروز پیام آور دوستی برای ملت ما بودند با تگاهی محتاطانه مسیر انقلاب ایران را نظاره گر شدند. در آنجا که پیام ملت ما مبارزه با امپریالیسم شرق و غروب شد دست و پایشان را تم کردند که میاد انقلاب ایران آنچنان اثری در برادران مسلمان ما در آن کشورها بگذارد که تخت های حکمرانی آنها به لرزه افتد. ولی به ناچار نه از روی میل بلکه بواسطه زمت های دیپلماتیک تبریکاتشان را سرازیر کردند. از سوی دیگر مذاکرات با برقدرتها و سازندگان سلاح های مدرن آغاز شد، ربهون بقیه در صفحه ۴

روز قدس

استعمار شوم غریبان در سرزمین های اسلامی ، با روش های گوناگون رخنه کرده تجزیه، اشغال نظامی و سیطره سیاسی ، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را می توان از آن جمله دانست.

نمایش همبستگی ملت های مسلمان برای آزادسازی فلسطین

یکی از سرزمین های کشف شده به زیر سلطه بیگانه، فلسطین است که زندگی مردم آن در چنددهه گذشته از دردناک ترین رخدادهای تاریخ بشر بشمار می آید. این سرزمین دیران و پایگاه رزمندگان ضد صلیبی که همواره بگونه سپر پاسداری آسیا در تاریخ، نقش داشته است پس از جنگ جهانی نخست با متلاشی شدن امپراطوری عثمانی، زیر سیومیت دولت انگلیس قرار گرفت که در سال ۱۹۱۷ با انتشار اعلامیه بتکین «بالفور» ایجاد «کانون ملی» بود، در رد خاک فلسطین نوید داده بود، با برقراری سلطه خود بگونه عامل اصلی در هم زدن زندگی مردم این سرزمین وارد عمل شد.

اعتراض های بیایی فلسطینی ها که با شیوه های گوناگون انجام گرفت بجایی نرسید و امپریالیسم انگلستان با پشتیبانی سیاسی، نظامی و مالی گروه های تروریستی صهیونیست را نیرو بخشد و زمینه ساز کشتارهای فردی و جمعی آزادبخواهان دل بسته به زادگاه خویش گردید. در پایان جنگ جهانی دوم، شروع نهضت های راهی بخش میهنی و افزایش

روز قدس

ای آفریدگار پاک! تو را پرستش می کنم و از تو یاری می جویم

روز قدس

طرح ترافیک، اجباری برای اضافه در آمد شهرداری

شهرداری پایتخت سرانجام طرح اولیه خود را در مورد ترافیک با اصلاحاتی که گفته می‌شود روی این طرح انجام شده است اعلام کرد و در ماه آینده به اجرا در می‌آورد.

چندی پیش در همین رسانه راهپای گوناگون اجرای یک طرح شرح داده شد و پس از بررسی راهپای مختلف که آزاد گذاشتن مردم در انتخاب‌بترین آن و تعمیم از سوی دولت ناگزیرترین راه حل به نظر رسیده بود از دولت ملی خواسته شده بود که حداقل در طرح ترافیک از اعتباری که نزد ملت دارد استفاده کند و از مردم دعوت کند خود برای اجرای طرح داوطلب شوند

شهردار پایتخت و مشکل ترافیک وزیر آموزش و پرورش تا چندی پیش برآز بین بردن مدارس خصوصی پای می‌شرد و چندی پیش گفته شد که تنها به نیت نا مدانش‌آموز در همان محل اقامت موافقت کرده است و دانش‌آموزان نمی‌توانند در محله‌های دور از منطقه مودادامت خود به مدرسه بروند، لیکن شهردار هنگامت صاحب اعلام کرده است که بسا وزارت آموزش و پرورش مکاتبه شده است که تمامی مدارس سرویس مخصوص داشته باشند و برای این منظور اتوبوس کافی تهیه کنند و دانش‌آموزان را از منزل به مدرسه و بالعکس انتقال دهند.

با توجه به این گفته‌ها اینطور مشخص است که طرح ترافیک پس از تصویب در هیات وزیران که دو ماه پیش انجام شده است هیچگونه تغییری که نیاز به طرح مجدد در هیات وزیران داشته باشد در خود نداشته است و شاید تنها برای اینکه نظر مردم هم محترم باشد، نظرها دریافت شده و مدت زمانی هم برای این طرح را به تأخیر انداخته‌اند لیکن در اصل نظر مردم زیاد مورد توجه قرار نگرفته است و آیا این نتیجه‌گیری را بذهن نمی‌آورد که تصمیم در اجرای این طرح بوده است هر چند مفید یا غیر آن و چون هیات وزیران آنرا تصویب کرده بود اجرای آن لازم بوده است.

تومان عاید شهر می‌کند. گویا جوغالب بر فضای شهرداری این نوع تحمیل عقیده را می‌پسندد و هر که از این در وارد شود بدون جلب شدن در جوغالب راهی به خارج ندارد و معلوم نیست چگونه شهردار یک دولت انقلابی اینطور قضاوت می‌کند که مردم را با خواهش و فشار قانع یا مجبور کند که طرحی را گردن نهند و آیا تنها کسب درآمد برای شهرداری می‌باید در نظر گرفته شود یا آسایش مردم، چون اگر جواب اولی باشد در آینده شاهد خرابی اسفالت، جمع آوری زباله بطور هفتگی، قطع درختان شهر و فروش آنها برای ایجاد وسایل دیگر و خیلی موارد نظیر این باید باشیم که رویهم سود هفتگی را برای شهرداری پایتخت به همراه دارد و با حداقل هزینه‌ای برای شهرداری ایجاد نمی‌کند که خود نوعی سود است.

نومان به بودجه شهرداری می‌افزود بطور حتم باید بدانیم که نیکایی برای سود خود تنها این طرح را اجرا می‌کند و منتظر شهردار انقلابی برای اجرای آن نمی‌ماند. موردی که باز هم برای توجه شهردار ذکر آن واجبست اینست که آیا شهردار پایتخت تصور نمی‌کند هنگامی که مردم پایتخت‌نشین و صاحب اتومبیل علاوه بر پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی سنگین، رقمی بیش از حد تصور برای عوارض مختلف اسفالت و شهرداری و بقیه خدمات شهرداری می‌پردازد باید این حق را داشته باشند که در هر ساعت و در هر مکانی که می‌خواهند به رانندگی بپردازند

دریافت مالیات سنگین از اتومبیل و محدودیت عبور عملی قانونی نیست

و یک هفته را بعنوان آزمایش طرح انتخاب کنند. طرح ترافیک که گویا می‌بایست به هر حال اجرا می‌شد و حتی بررسی جواب مختلف آن هم در نهایت در تغییر و یا به تأخیر انداختن آن مفید واقع نمی‌شد ازدهه دوم شهریور در تهران به اجرا در می‌آید. بر اساس این طرح بسیاری از خیابانها یکطرفه و تعدادی از خیابانهای محدودشهر به روی اتومبیلها بسته می‌شود که ایسن خود نمی‌تواند عملی منطقی با موازین حقوقی و اجتماعی باشد بخصوص هنگامی که مردم برای شماره‌گذاری عوارض سنگین پرداخت می‌کنند.

شهردار پایتخت در قسمتی دیگر از سخنان خود هنگامی که از او سؤال میشود که اگر مردم ناگزیر شوند اتومبیلها را در خانه بگذارند و از آن استفاده نکنند آیا باز هم باید مالیات بپردازند گفته است مالیات اتومبیل یک رقم ۲۰۰ میلیون تومانی در سال است. با این پول باید خدمات بیشتری به مردم عرضه شود بنابراین باید مالیات را بپردازند.

شهردار تهران نقشه‌های مفصلی برای عمران شهر در سر دارد و می‌خواهد بسا اضافه درآمد اتوبوسها و مالیات اتومبیلها خدمات عمرانی بیشتری در سطح شهر انجام دهد، لیکن از یک واقعیت بدور مانده است که رنجاندن مردم تحمیل عقیده و ناگزیر کردن آنها برای اطاعت کورکورانه از اجرای

افزافه در آمد برای شهرداری نمی‌تواند دلیلی برای اجرای هر طرحی باشد

و با اینکه عوارض مختلف شهرداری از روی اتومبیلها برداشته شود چون در غیر ایسن صورت اینگونه مجبور نمودن مردم برای اجرای طرحی که مسئول اصلی آن می‌داند از روی میل و علاقه کسی حاضر به اجرای آن نیست نمی‌تواند موفقیتی به همراه داشته باشد.

چهارچوب فکری بحث زیر رادانشهای زیستی تشکیل می‌دهند از آنجا که تکامل فراگردهای زیستی پیش از بوجود آمدن فراگردهای فرهنگی آغاز شده اصولا مبنای آن‌ها شمار می‌روند و از آنجا که فراگردهای زیستی پایه‌ای برای تداوم و جاودانگی فراگردهای فرهنگی هستند طبیعی بنظر می‌رسد که مطالعات محیط‌زیست بر پایه اصول زیستی بنیان گذاری شود

اجزایش چه میکنند، در مورد حیوانات این کارازیک طرفه رفتارهایی Behaviour مانند شکار، چرا و کوچ در ارتباط با بوم شناسی مربوط میشود و از طرف دیگر بستگی به تغییرات مواد در درون بدن حیوانات دارد نظیر مصرف اکسیژن ورها کردن گاز گرینکس مهمترین این فعالیتها در گیاهان شامل تبدیل نور به انرژی شیمیایی و رشد میباشد. این فعالیتها در مورد عناصر غیرزیستی نیز وجود دارد.

پیدا کرد نشان‌دهنده چند صفت مشخص و بارز بوده است. رشد اقتصادی معمولا با افزایش حجم مطلق تولیدات کشاورزی و افزایش بازده، آزاد کردن عرضه نیروی کار بر روی زمین‌های کشاورزی، تمرکز جمعیت در مراکز شهری، صنعتی شدن، گساربرد تکنولوژی پیشرفته و تقلیل هزینه‌های تولید در بخش صنعتی توام بوده است کلیه این پدیدهها باعث شده که نرخ اقتصادی بر نرخ رشد جمعیت پیشی گرفته و دنیا بطور کلی قادر باشد جمعیت بیشتری را سیر نگهدارد. رشد اقتصادی چون نیاز به کار برد سنگین منابع داشته است شدت جریان انرژی و عناصر را در این فراگرد افزایش تولید دنبال داشته است.

بیشتر است و از لحاظ تعداد جمعیت به طور مطلق عده بیشتری از آلودگی‌های مختلف محیطی رنج می‌برند. مسئله دیگر که به آلودگیهای محیطی کمک میکند ایجاد سیستمهای پیشرفته و به اصطلاح نوین فراس و عرضه فرآورده‌هاست. هر قسمی که به فراگرد عرضه کردن فرآورده افزوده می‌شود پس مانده‌های بیشتری بوجود می‌آورد که کاربرد دوباره آنها را مشکلتر و در بعضی موارد غیر ممکن می‌سازد. نمونه از این افزایش گامهای فرابردی بسته بندی انواع خوراکیها در محفظه‌های پلاستیکی وعرضه نوشابه‌های در قوطی به جای شیشه است.

پیدا کرد نشان‌دهنده چند صفت مشخص و بارز بوده است. رشد اقتصادی معمولا با افزایش حجم مطلق تولیدات کشاورزی و افزایش بازده، آزاد کردن عرضه نیروی کار بر روی زمین‌های کشاورزی، تمرکز جمعیت در مراکز شهری، صنعتی شدن، گساربرد تکنولوژی پیشرفته و تقلیل هزینه‌های تولید در بخش صنعتی توام بوده است کلیه این پدیدهها باعث شده که نرخ اقتصادی بر نرخ رشد جمعیت پیشی گرفته و دنیا بطور کلی قادر باشد جمعیت بیشتری را سیر نگهدارد. رشد اقتصادی چون نیاز به کار برد سنگین منابع داشته است شدت جریان انرژی و عناصر را در این فراگرد افزایش تولید دنبال داشته است.

بشر پیشرفت تکنولوژی رادر فراگرد تولید بدین منظور دنبال کرده است که اولاً کار تولید را باز زحمت کمتری انجام دهد و ثانیا درجه کارائی تولید را بالا ببرد. متاسفانه پیشرفت تکنولوژی سبب زیساد شدن آسبیبهای محیطی بوده است. اولین پیشرفت تکنولوژی در دنیا یعنی کشف آتش اولین آلودگی فضا را بساعت شد. اختراع ماشین چاپ باعث به وجود آمدن مقادیر کاغذ خورده بی‌مصرف شد. فن تولید محصولات سنتیک پس مانده‌هایی داشته که بسببوجه نمیتوان از شر آنها رهائی یافت.

در بوم‌شناسی زیستی بوم‌شناسی Ecologr به دو نحو مطالعه میشود. یکی از اینها بنام بوم‌شناسی هندادها Ecologz Systems و دیگری بنام بوم‌شناسی جمعیتی معروف است.

در بوم‌شناسی زیستی تأکید بر روی یک جمعیت داده شده ومطالعه بر روی ارتباطات این جمعیت با محیط غیر زیستی و یا سایر اجزاء زیستی محیط است. بوم‌شناسی هندادها

کلیمه بوم هندادها دارای سه مجموعه از متغیرها هستند که دائما با یکدیگر در حال گش و واکنش هستند. ایسن سه مجموعه عبارتند از مجموعه‌ای از اجزای غیر زیستی، و مجموعه‌ای اجزاء فرهنگی از میان اجزاء زیستی، انسان بزرگترین تأثیر را از نظر توده زیستی Biomass خود بر روی محیط‌زیست میگذرد.

دنبال کنیم ومشکلات محیط زیست اجتماعات بشری را بهتر درک کنیم به چند عامل اصلی که بیش از عوامل دیگر به تغییر شرایط محیط زیست می‌انجامند اشاره میکنیم. رشد جمعیت

رشد جمعیت یکی از پدیده‌هایی است که در بالا تحت عنوان شرایط زیستی از آن یاد شد. طبق برآوردهای انجام شده در دو بیست سال بین ۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی جمعیت دنیا دو برابر شد (دو بیست درصد نرخ رشد) در حالیکه از سال ۱۰۰۰ تا ۱۶۵۰ میلادی جمعیت دنیا بیش از ۲۰ درصد افزایش نیافت.

هم‌چنین تکنولوژی امکان داد که تولید در مقیاس وسیع انجام شود و اجازه داد میلیونها نفر که پیش از توسعه آن از مصرف بسیاری مصنوعات محروم بودند از بهره آن‌ها بهره‌مند شوندو انحصار برگزیدمان در مورد مصرف این مصنوعات پایان یابد و در عین حال به آلودگیهای محیطی کمک کرد. این پیشرفت فنی در دنیای غرب باعث شد که مردم از زمین کنده شوند و بشهرها روی آورند. ایجاد تمرکز جمعیتی و فعالیتهای صنعتی کرد و بنوبه خود به آلودگیهای محیطی افزود. اگر تکنولوژی و پیشرفت آن چنین مفاظراتی در بر دارد، پس برای آینده کشوری که در آستانه گزینش تکنولوژی است راه حل مطلوب چیست؟

در بوم‌شناسی زیستی تأکید بر روی یک جمعیت داده شده ومطالعه بر روی ارتباطات این جمعیت با محیط غیر زیستی و یا سایر اجزاء زیستی محیط است. بوم‌شناسی هندادها کلیمه بوم هندادها دارای سه مجموعه از متغیرها هستند که دائما با یکدیگر در حال گش و واکنش هستند. ایسن سه مجموعه عبارتند از مجموعه‌ای از اجزای غیر زیستی، و مجموعه‌ای اجزاء فرهنگی از میان اجزاء زیستی، انسان بزرگترین تأثیر را از نظر توده زیستی Biomass خود بر روی محیط‌زیست میگذرد.

رشد جمعیت یکی از پدیده‌هایی است که در بالا تحت عنوان شرایط زیستی از آن یاد شد. طبق برآوردهای انجام شده در دو بیست سال بین ۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی جمعیت دنیا دو برابر شد (دو بیست درصد نرخ رشد) در حالیکه از سال ۱۰۰۰ تا ۱۶۵۰ میلادی جمعیت دنیا بیش از ۲۰ درصد افزایش نیافت.

رشد جمعیت یکی از پدیده‌هایی است که در بالا تحت عنوان شرایط زیستی از آن یاد شد. طبق برآوردهای انجام شده در دو بیست سال بین ۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی جمعیت دنیا دو برابر شد (دو بیست درصد نرخ رشد) در حالیکه از سال ۱۰۰۰ تا ۱۶۵۰ میلادی جمعیت دنیا بیش از ۲۰ درصد افزایش نیافت.

رشد جمعیت یکی از پدیده‌هایی است که در بالا تحت عنوان شرایط زیستی از آن یاد شد. طبق برآوردهای انجام شده در دو بیست سال بین ۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی جمعیت دنیا دو برابر شد (دو بیست درصد نرخ رشد) در حالیکه از سال ۱۰۰۰ تا ۱۶۵۰ میلادی جمعیت دنیا بیش از ۲۰ درصد افزایش نیافت.

رشد جمعیت یکی از پدیده‌هایی است که در بالا تحت عنوان شرایط زیستی از آن یاد شد. طبق برآوردهای انجام شده در دو بیست سال بین ۱۷۵۰ تا ۱۹۵۰ میلادی جمعیت دنیا دو برابر شد (دو بیست درصد نرخ رشد) در حالیکه از سال ۱۰۰۰ تا ۱۶۵۰ میلادی جمعیت دنیا بیش از ۲۰ درصد افزایش نیافت.

بومیاتی هر بوم هندادی ناشی از فعالیتهای گوناگون اجزاء سیستم است. بنابراین هنگامیکه در باره مکان و زیستگاه مردم در یک محیط زیست طبیعی سخن میگویم توجه ما تنها به شماره مردمی که در آن محل زندگی میکنند و نحوه توزیع این توده زیستی نیست بلکه مایلیم بدانیم که این توده و فرد فرد

رشد اقتصادی برای نگهداری یک جمعیت بیشتر در دنیا الزام‌آور بوده است. روند تاریخی رشد اقتصادی برای کشورهای دنیا متفاوت بوده است ولسی بطور کلی الگویی که بتوان در سطح جهانی

رشد اقتصادی برای نگهداری یک جمعیت بیشتر در دنیا الزام‌آور بوده است. روند تاریخی رشد اقتصادی برای کشورهای دنیا متفاوت بوده است ولسی بطور کلی الگویی که بتوان در سطح جهانی

رشد اقتصادی برای نگهداری یک جمعیت بیشتر در دنیا الزام‌آور بوده است. روند تاریخی رشد اقتصادی برای کشورهای دنیا متفاوت بوده است ولسی بطور کلی الگویی که بتوان در سطح جهانی

رشد اقتصادی برای نگهداری یک جمعیت بیشتر در دنیا الزام‌آور بوده است. روند تاریخی رشد اقتصادی برای کشورهای دنیا متفاوت بوده است ولسی بطور کلی الگویی که بتوان در سطح جهانی

یک نوع ارائه طریق جهت بازسازی روستاهای مهاکت و احیای آنها

مرکب هنر اختناق، در آزادی

برخلاف آنچه تصور می‌کردیم کارنامه هنر در ایران، بعد از انقلاب اخیر، یعنی در شش ماه گذشته بسیار خفیر و ضعیف از آب درآمده، و در لابلای اتفاق‌ها و هیجان‌های حاکم بر جامعه محو شده است. گالری‌های نقاشی گساده شده‌اند، تئاترها بی‌روح، فیلمسازان چشمه هنرشان خشکیده و در پیله ادب، ادبا خاموش مانده‌اند. گوییم شعر و داستان و نمایشنامه دیگر رسالتی ندارد. اگر بپرسیم چرا؟ نیز بی‌تردید نخستین پاسخ این پرسش را در دگرگونی‌هایی خواهیم دانست که رخ داده، یعنی قدرت حاکم فعلی حمایت کافی از هنر و هنرمند نمی‌کند. ضمن پذیرفتن این مسأله که هر قدرت و حکومتی داعیه آزادی خواهی دارد مؤلف به-

بدلیل تعداد وسیع خواننده، در این دوران کوتاه آفتاب جذاب و دلپذیر بود که همه، امیراز هنرمندو کارمند و کارگر را بخود کشید و همه کوشیدند روزنامه نگاران خوبی باشند، با بهترین‌گویی سیاستمداران برجسته‌ای باشند تا آنکه حرفه‌شان را رونق دهند. گرایش ناگهانی، خام و مردم پسند به مسائل اجتماعی ناشی از سیاست‌های روز همه را فریفت، آفتاب که تمام تفکر و اندیشه، تمام نیروهای خلاقه و تمام بازنایان های فکر که نام‌هنرمی گرفت به انحصار سیاست سپرده شد و سی و پنج میلیون سیاستمدار که یک‌شبه متولد شدند، هنر یاهرمنده یا ادب‌با معنی را زیر فشار خود خاموش کردند. مثلا کانون نویسندگان که شرح‌برای‌اش،

گرمه آمدن هایش، مبارزاتش برای آزادی قلم و اندیشه و مهمتر از همه اینها گروه اعضایش که مجموعه خبرنگاران فرهنگ‌و ادب این ملک را تشکیل می‌دهند، در ماههای گذشته چه کرده‌اند هیچ نه کتابی انتشار داد، نه نشریه‌ای که پیش از این امکان چاپش نبود، و نه هیچ‌سندی که نشان دهد بعد از اختناق بیست و پنج ساله چه حرف‌ها که در دل‌ها نهانده بود ... جمع این متفکرین تنها کارشان در طول شش ماه گذشته، یعنی بهترین، حساس‌ترین و سرنوشت سازترین روزهای هر برملت ایران گذشت به نوشتن اعلامیه و اطلاعیه و بیانیه در سطح بسیار عادی و معمولی که دیگر هر دسته و گروهی امکان‌ناش را دارد، محدود شد. همچنین است جمع

کار کانون نویسندگان ایران در ماههای گذشته فقط به انتشار اعلامیه، بیانیه و اطلاعیه محدود شده است.

هنرمندان تئاتر و سینما با آنچه داعیه تلخ است اما باید پذیرفت که کیفیت چگونگی و علت وجودی هنر پیش از انقلاب که گاه بسیار هم درخشان بوده است تنها بدلیل همان سانسور و اختناق و جو حاکم بر جامعه بود. زمانی که یک کلام ارزش یک زندگی را داشت و یک حرکت کوچک، نفسی بود که همه می‌کشیدند. امروزه تاسفی می‌خورد هنرمند که می‌بیند هر چه بکوشد نمی‌تواند چیزی بیافریند که آزادی‌عظیم خیابان‌آرابه حیات نکند.

اگر این برنامه کوتاه مدت بود کمبود امکانات بعنوان دلیل مطرح می‌شد، ولی متأسفانه در درازمدت مطرح شده است. با این برنامه نه تنها در زمینه درمانی به روستائیان خدمتی بیش از طرح قبلی ارائه نخواهد شد بلکه این توهم ناسمجای ایجاد می‌شود که مملکت احتیاج به تربیت پزشک ندارد چه با کمبود ۹۰۰۰ پزشک از طریق پزشکی ۷۵۰ نفر که ظرفیت فعلی دانشکده‌های روستایی کشور است ظرفه تا دوازده سال می‌توان به خدمات حداقل موعود در ده سال بعد رسید. ولی جالب اینجاست که گروه کم‌درآمد شهری به خصوص در شهرهای بزرگ کم و بیش این حداقل را دارد و روستائیان هم که از اوقات پزشک در درمانگاه بهره‌مند میشوند که بر این اساس تقریباً برای هر ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر روستایی یک پزشک بسختی دردمان سربائی مشغول خواهد شد و بقیه

طرح پیشنهادی وزارت بهداشت برای ترجمه روش تندرستی انگلستان است

با بودی که وصف آن رفت پزشکی میکند. ظاهراً این فکر پذیرفته شده که روستائیان انسانهای درجه دو محسوب میشوند. نیازهای درمانی آنها هم به همین دوال باید بدل و فصل گردد. و تقسیم‌بندی جوامع عقب مانده و عقبمانده‌تر در طرح‌های پیشنهادی پذیرفته شده است. اما در قبال این کج فکری در حق روستائیان دولت کلیه هزینه‌های درمانی را با معنای شهن دردمان در بخش دولتی و بیمه‌ای و حذف تعصبات بیمه بحساب طراحان ۴۰۰ میلیارد در سال پرداخت خواهد نمود که بطور متوسط هزینه متوسط درمانی روستائی با تقریباً یک‌دهم جمعیت شهری می‌باشد.

آیا می‌توان خلاقیت را برای مدتی، و صرفاً بدلیل آنکه حالا وقت پرداختن به سیاست است متوقف کرد؟

به تمام معنی وجود داشته است، اما تردید هم نمی‌کنیم که از آنچه پیش از این برهنرمند ایرانی می‌گذشت خبری نیست. و حالا مشکل، مشکل خود هنرمند است که ناچار باید حقیقت وجودش را در بیان کند و تکرر و اندیشه‌های را که تا چند ماه پیش اجازه انتشار نداشت، بپخش و نشر کند. پس چرا در شش ماه گذشته نه‌نمایش ندانان گیری برصحنه تئاتر های‌ماره‌ت است،

ملا خاطره نمایش «شهر قه» گماها

به تمام معنی وجود داشته است، اما تردید هم نمی‌کنیم که از آنچه پیش از این برهنرمند ایرانی می‌گذشت خبری نیست. و حالا مشکل، مشکل خود هنرمند است که ناچار باید حقیقت وجودش را در بیان کند و تکرر و اندیشه‌های را که تا چند ماه پیش اجازه انتشار نداشت، بپخش و نشر کند. پس چرا در شش ماه گذشته نه‌نمایش ندانان گیری برصحنه تئاتر های‌ماره‌ت است،

روستائی انسان درجه دوم!!

بود ظرف پنجسال اجرا گردد و ۹۰ درصد از روستائیان شامل شود. بدیهی است این طرح با شرایط دوران طاغوت که در جهت ویرانی هرچه بیشتر روستاها و کشاورزی و دام-داری بیش میرفت خدمات بهداشتی ارائه احتمالاً بطور نسبی به روستائیان ارائه می‌نمود. ولی جای تعجب است که اکنون وزارت بهداشت را بعنوان شبکه تندرستی ملی مطرح می‌کند و صریحاً در طرح اعلام می‌کند که حداقل تندرستی طرف ده سال بمسرد داده میشود و این حداقل را با کمی بیهوشی از امکانات برنامه ششم عمرانی می‌خواهد عملی نماید یعنی دیگر برنامه پنجساله ششم‌عمرانی را بعنوان طبعلی می‌خواهند در ده سال اجرا کنند.

اما به روستائیان چه می‌رسد روستائی باید در صورت بیماری به بودی مراجعه کند (بودی فردی است در روستا بسا معلوماتی در حدود شش ابتدایی و یانه متوسطه که یکسال و نیم تا دو سال آموزش نظری و عملی در زمینه‌های بهداشت و درمان اولیه می‌بیند) و بودی در صورتیکه صلاح دانست روستائی بیمار را به مرکز بهداشتی و بهزیستی معرفی میکند و پزشک عمومی بیمار را معالجه و یا به بیمارستان معرفی کند. طبق این طرح روستائی‌بیمه‌جوی است این مراحل را طی کند و نمی‌تواند مستقیماً به شبکه شهری مراجعه کند. در طرح صریحاً اعلام شده که ۸۰ درصد از مراجعات درمانی بهداشتی روستائیان را

خدا عاقبتمان را به خیر کند!

نستیم گره از کار کسی بگشاییم سبیل است سعی می‌کنیم تا آنجا که ممکن است با دیگران بضدیت بپردازیم و جلوی پای آنان سنگ بیندازیم. آنها را نادان و ریاکار و بدینت می‌دانیم و حاضر هم نیستیم به حرف‌های آنان گوش فرا دهیم و این بدبختی بدانجا کشیده که حرف‌های رهبری را بشغ خود قلب می‌کنیم در دستورات او را بعین خود تعبیر و تفسیر می‌نماییم. خوی انسانی ما دارد کم‌کم به طرز وحشتناکسی تنزل پیدا می‌کند. وقتی صحبت از آزادی انتخابات می‌شود باین می‌اندیشیم که آزادی هر چه دلمان خواست در انتخابات انجام‌دهیم هنگامیکه صحبت از کم‌فروشی و گراز-فروشی می‌شود گمان می‌کنیم که نوبت شلاق زدن بقال سرکوجه است بی‌آنکه فکر کنیم این مائیم که گران می‌خریم و اگر نخریم گران نخواهند فروخت پس نصف شلاق‌ها باید نصیب ما بشود. بیکدیگر تهمت و افترا می‌زنیم تا چند روزی بیشتر عقده‌هایمان را خالی کنیم- اسلام را و مسلمانی را داریم با سرعت و شدت بدنام می‌کنیم. قسم بخدای بزرگ که اسلام هیچ یک از اینها را روانی‌دارد- هرگز ما

خود خواهی دارد دمار از روزگارمان در می‌آورد

برای دوباره رفتن به بیکار نیاز بسخون داشت خون می‌رساند اعتنائی نکند. نه تنها تضادفات با روبروسی ختم نمی‌شود بلکه کوچکترین گذشت انسانی را در سر چهار راه‌های شلوغ نمی‌بینیم و هر کس می‌خواهد که خودش زودتر از چراغ قرمز- نه چراغ سبز- رد شود. گرانفروشی و کم فروشی پیدای می‌کند و خودخواهی و کم ادبیتی به دیگران دارد دمار از روزگار ما درمی‌آورد. ارزش‌های والای انسانی تا موقعی مورد تهاجم قرار نمی‌گیرند که ما رودر روی مانع آنچه خودمان قرار گرفته‌ایم. عقاید دیگران تا هنگامی برای ما محترم است که دقیقاً در مسیر خواسته‌های ما باشد- بحرف هیچ کس گوش نمی‌کنیم و حاضر

انقلاب کردیم به این امید که خودمان را از گرداب هولناکی که داشت ما را و همه ارزش‌های ما را می‌بلعید نجات بخشیم- انقلاب موفق شد ولی نجات ... ؟

ارزش‌های بنیادی جامعه ما قبل از اینکه دچار طاعون‌زدگی سیاسی و اقتصادی شود ارزش‌های بنی نبودند. اگر تعارفات و تملقات را کنار می‌گذاشتیم ارتباط کسی گروه‌ها و افراد با یکدیگر در سطحی انسانی و مردمی قرار داشت. چیزی داشتیم در طبق اخلاص بود. رسم هرات داشتیم در طبق اخلاص بود. رسم هرات و مردانگی منسوخ نشده بود مردم با یکدیگر اگر دوست صمیمی نبودند دشمن هم نبودند. اگر نیازمندی بهما روی می‌آورد بدون خودنمایی و هتک حیثیت او کمکش می‌کردیم و بقیعت آبروی او برای خود اعتبار نمی‌خریدیم. اگر کسی دچار دردی یا گرفتاری می‌شد از خود ساسیه می‌گذاشتیم و بی‌آنکه برسر هرکوی و بازار سازو نقاره و کوس و دهل خودمان را بزینم بی سروصدا بباری می‌رفتیم. از شادی دیگران صمیمانه شادمان می‌شدیم و در غم و اندوه آنان با صداقت اشک می‌ریختم. وقتی کسی می‌آمد برای ملت کاری بکند او را یاری می‌دادیم و تا موقعیکه دست‌های مرموزی موزیانه جهت حرکت ما را تغییر نمی‌داد، با خلوص نیت او رابخششانی می‌کردیم. برای صداقت و پاکی ارزشی قائل بودیم و علم و تجربه را اوج می‌دانستیم. برپای مسلمان بودیم و بی‌تقلب انسان. ارتباطمان با مبدء آفرینش یک ارتباط روحانی و یک پیوند صادفانه بین خودمان و خدای خودمان بود. از اینکه بخواهیم سر خدا را شیره پالمی گرس داشتیم- نه ترس از آتش جهنم بلکه ترس از بسد بودن- متظاهر بودن- متقلب بودن- معنویت بر ایران مقبومی واقعی داشت و ح-ر نبودیم بخاطر پول و مقام و قدرت و پادشاه و اعتقاد تظاهر کنیم و در پیمان را واسطه قرار دهیم. بملتان و بملیتان هم افتخار می‌کردیم و از ایرانی یا مسلمان بودن فقط یکی را انتخاب نمی‌کردیم. چندی این

برای دوباره رفتن به بیکار نیاز بسخون داشت خون می‌رساند اعتنائی نکند. نه تنها تضادفات با روبروسی ختم نمی‌شود بلکه کوچکترین گذشت انسانی را در سر چهار راه‌های شلوغ نمی‌بینیم و هر کس می‌خواهد که خودش زودتر از چراغ قرمز- نه چراغ سبز- رد شود. گرانفروشی و کم فروشی پیدای می‌کند و خودخواهی و کم ادبیتی به دیگران دارد دمار از روزگار ما درمی‌آورد. ارزش‌های والای انسانی تا موقعی مورد تهاجم قرار نمی‌گیرند که ما رودر روی مانع آنچه خودمان قرار گرفته‌ایم. عقاید دیگران تا هنگامی برای ما محترم است که دقیقاً در مسیر خواسته‌های ما باشد- بحرف هیچ کس گوش نمی‌کنیم و حاضر

در این طرح جامعه به دو قسمت عقب مانده و عقب مانده تر تقسیم شده است.

عینا انگلیسی است و بعلت نامتجانس بودن با واقعیات زندگی ایرانی‌انم از بزرگ‌ترین بیمار نه تنها مشکل را رفع نمی‌کند بلکه تسخت بیشتری را احتمالاً همراه می‌آورد این نوع برنامه‌ها نیز در نیمه راه متوقف میمانند طرح پیشنهاد وزارت بهداشتی اصولاً بدون مطالعه کافی بصورت کلیه یا ترجمه دوش تندرستی انگلیس ارائه شده و اصولاً چون بنگ مردم تمام نمی‌شود نمی‌تواند ملی‌اش نماید و در حقیقت دولتی‌کردن بخشی از تاسیسات دولتی و بیمه و خیریه فعلی زیر نظر وزارت بهداشتی است. در واقع طبق این طرح حقوق بیمه‌شدگان

در این طرح جامعه به دو قسمت عقب مانده و عقب مانده تر تقسیم شده است.

ارزشهای کشاورزی و صنعتی مورد نظر قرار گیرد. با این نیت که ده همواره باید شرایط زندگی بدی را تحمل نماید فکری تربیت پزشک روستائی پذیرفته می‌شود مثل اینکه شهری و روستائی از نظر درمانی باید متفاوت باشند و پزشکی که روستائی را معالجه میکند در حد روستا پزشک قابل قبول است این قبیل ایده‌ها (بعنوان یک راه حل دائم) از طرف ارگانهای جهانی تحت نفوذ شرق و غرب بمنظور راه حل مشکل توصیه می‌شود در حالیکه در سطح کشورهای استعمارگر این راه حل‌ها هرگز عملی نیست و آنها بغوی می‌دانند که در شرایط

بنقل از یادداشت‌های دکتر ناصر تکمیل‌همایون

به مناسبت همبستگی بین‌المللی مسلمانان در حمایت از مردم فلسطین



مظهر مقاومت فلسطین

را یغیای یگانه دعوت می‌کند. بی شک مسافرت‌های مهاجرت‌تپایش در رابطه با آرمان مقدسی بود که تبلیغش را بر عهده گرفته بود.

برپایه داده‌های تاریخی و میتولوژیک حضرت ابراهیم (ع) دارای دو فرزند پسر بود، یکی بنام اسمعیل (ع) که اعراب بزرگ فریشتان خود را بازماندگان آن حضرت می‌دانند و دومی بنام اسحاق (ع) که یهودیان خود را از طریق حضرت یعقوب (ع) به آن پیامبر گرامی که در واقع ابوالانبیاء است، منتسب میکنند.

داستان شیوا و آموزنده دوازده فرزند یعقوب و ماجرای حضرت یوسف (ع) و فروختنش توسط برادران و خریدنش توسط اسمعیلیان (=اعراب)، ورود قبیله یعقوب (=اسرائیل) به مصر و به عزیزی رسیدن یوسف و بالاخره تغییر سیاست فراعنه و ظلم و ستم بی‌حد آنان بزرگ‌دستان و به بردگی کشیدن بنی‌اسرائیل (=فرزندان یعقوب) و پرشکوهری از همه وقایع، قیام حضرت موسی علیه‌السلام و آزاد کردن قوم مستضعف خود و نابود کردن دستگاه بیادگری فرعون - تمام از ماجراهایی که در کتب مقدس یهود و ووشتر و آموزنده‌تر در قرآن مجید آمده است.

اقامت بنی‌اسرائیل را در مصر میسر ۲۱۰ تا ۴۳۰ سال نوشته‌اند و ورود مجدد آنان به ارض کنعان پس از ۴۰ سال راه پیمانی در بیابانهای سینا و نعب، میان‌سال‌های ۱۲۷۲ تا ۱۲۵۸ پیش از میلاد بوده است.

در ارض کنعان (فلسطین) ۱۷۶ سال داوران حکومت کردند و به دنبال آن نوعی نظام سلطنتی بوجود آمد که پس از پایان عصر پلائی سلطنت حضرت سلیمان نفاق بنی‌اسرائیل بجائی رسید که کشور به دو قسمت شد یکی بنام اسرائیل و دیگری بنام یهودا.

هر دو کشور در رابطه با قدرتهای بزرگ آنروزگار چون مصر و کلمه و آشور و بابل و ایران و یونان در جنگ وسیعتر قرار گرفت و سرانجام در سال ۵۸۱ پیش از میلاد بدنبال حمله‌های بخت‌المصر حکومت اسرائیل در آشور و حکومت یهودا در بابل مضحل گردید.

دوران سلطنت در حدود ۴۹۰ سال بدرازا کشید و پس از ۷۰ سال اواری و سرگردانی، کوشش کبیر مجدداً بنی‌اسرائیل و اسیران بابل را به ارض مقدس عودت داد و به همین اعتبار در کتاب مقدس به عنوان «مسیح خداوند» یا «شبان یهوه» نام نیکباز

نمایش همبستگی

بقیه از صفحه اول
پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد دستگاه استبداد وابسته به بیگانه بسا برقراری روابط سیاسی، نظامی و اقتصادی با اسرائیل از سوی شدیدترین آسیبها را به اقتصاد تولیدی و کشاورزی ایران وارد ساخت و از سوی دیگر سازمانهای نظامی و اطلاعاتی کشور را جایگاه توطئه‌های مپیونستی علیه رهروان راه استقلال و آزادی ساخت.

قیام پانزدهم خرداد، موضع ایرانیان را نسبت به مردم فلسطین روشتر ساخت و رهنمودهای پیدایی امام خمینی سازمان های سیاسی و نظامی رهایی‌بخش ایرانی و فلسطینی را پیوندی ناگسستنی داد و در روند این نبرد تاریخی، دشمنان بطور آشکار شناخته شدند و بندهای ارتباطی آنان در سرکوب جنبش‌های ملی بازشناسی گردید.

از آنجا که انقلاب اسلامی ملت ایران به حکم رسالت‌تاریخی نمیتواند در چارچوب مرزهای قراردادی استعمارگران جای گیرد و بی‌گمان جنود ارزش‌های آن جهان مستتر خواهد بود بگونه‌ای دشمن راستین استعمار در پهنه زندگی ملت‌ها باید که نقش الهام بخشی به جنبش‌های آزادی بخش در سرزمین‌های اسلامی را داشته باشد و در این میان کمک رسانی به مردم بیخاسته فلسطین از تقدم ویژه‌ای برخوردار است.

امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران که بارها خطر حکومت نژادگرایی اسرائیل و برحق بودن مبارزه مردم ایران فلسطین را یادآور شده‌اند روز ۲۶ مرداد واپسین جمعه ماه مبارک رمضان را «روز

سرمزشت فلسطین و آوارگی مردمش یکی از دردناکترین وقایع تاریخ است. ملت بزرگی که همه گاه در گذشته سپر آسیا بود و در برابر یورشهای یونانیان و رومیان استقامت می‌نمود و از بنو ورود استعمار پسر زمینهای اسلامی، در تلاش بود تا خود و همسایگانش را پاسداری کند، اینداین سرزمین دلبران، این پایگاه نبرد های صلیبی در جنگال شوم صیونیست‌های وابسته به امپریالیسم فراد دارد و مردمش از وطن رانده و آواره و سرگردان هستند نزدیک سی سال بگونه‌ای دستخوش سیاست‌بازی های «دایگانی» می باشند که در حساس ترین زمانها، بر کودک چشم پراه خود پشت کرده و بسوی دشمن شناخته شده، دست دوستی دراز می کنند.

ملت ایران، از بنو روی کار آمدن سیاسی نژاد گرایان صیونیست در سرزمین فلسطین، بحکم درد تاریخی و تعلق مذهبی در صف مدافعان مردم فلسطین درآمد و با اینکه دستگاه استبداد وابسته به استعمار شدیدا در رابطه با اسرائیل بود و انواع گسخت ها و تنگنا های سیاسی ملت، در مبارزه علیه اختناق، توسط کارشناسان اسرائیلی تپیه میشد، اما خط ملت مبارز و متعهد، با دستگاه حاکمه وابسته بکلی متفاوت بود. فراوان بودند مبارزانی که بجز مخالفت با اسرائیل بندانها افتادند و شکنجه دیدند و بطلاکت رسیدند، بسیار بودند دلاورانی که در سرزمین های فلسطینی نشین در اردوگاه های نظامی، آموزش انقلابی میدیدند. و این امر خود نشان دهنده پیوند های انسانی این دو ملت بشمار میروند.

نهیست دفاع از حقوق حقه مردم فلسطین در ایران بدنبال قیام پانزدهم خرداد، بازتاب بیشتری پیدا کرد. رهنمود امام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی در نطق اشرف و پیامهای صادره از سوی معظم له، مردم ایران را مکلف به داشتن مواضع دقیقتر مساخت با اینکه نشر کتاب و مقاله در باره مردم فلسطین، در نظر دستگاه حاکمه گناه بزرگی بشمار میرفت اما برخی ترجمه ها و نوشته های پنهانی ویلاساندی که در خارج بطرح می‌رسید و در ایران بصورت «پراکس» و «ژی» زمینی» بخش میشد، نه تنها توده های مردم را روشن تر ساخت بلکه بسیاری از روشنفکران ایرانی را که فریفته غربی‌شده بودند بیدار کرد تا برووشی بهیشت «سوسیالیستی» خود را بصورت جنبشی «دوایستی» دریايند.

در این مورد نیز باید سهم روحانیت را بازشناسی کرد و دانست بخش عمده روشنگریها بر عهده این گروه سازنده بوده است.

دفعات سال پیش سرافراز خونین ترین امواج انقلابی در مین ما شد و رمضان امسال با پیام امام در بسج جهانی مسلمانان در حمایت از مردم فلسطین بتحقیق، بیروزی دیگری در جهان اسلام بوجود خواهد آورد.

«اتحاد بزرگ» با تحلیل تاریخی واجتماعی گذشته فلسطین و مبارزات ملی مردم آن، در زمان کنونی و دیگر رویداد های سیاسی، حقانیت این بسج جهانی و عظمت «روز قدس» را آشکار میسازد. و معلوم میکند که انقلاب اسلامی ملت ایران از چه اصالت و رسالتی برخوردار است.

سابقه تاریخی فلسطین حضرت ابراهیم علیه‌السلام، میان سده های ۱۶ و ۱۸ پیش از میلاد در شهر تاریخی اور، نزدیک بصره کنونی (کرانه خلیج فارس)، در بخش جنوبی کلمه متولد شد و بعلمت‌های بسوی حران در شمال سوویه مهاجرت کردو در سنین کبیرولت در سرزمین فلسطین (کنعان) وارد شد. بدنبال یک قطعی کم سابقه، مهاجر تازه وارد ارض کنعان، بسرزمین پر برکت مصر عزیمت کرد و پس از مدتی دوباره به فلسطین آمدودر شهر حبرون ساکن شدو در همان شهر نیز درگذشت و مزارش قرن‌ها زیارتگاه رهروان توحید بود. (۱)

در روزگار حضرت ابراهیم (ع) مذاهب شرک و شیوه های بردگی و ظلم بر تمام منطقه سیطره داشت و وی بگونه پیامبری نام‌آور و آزاد کننده انسان، مردم منطقه

چهار دست‌پاگی ما را به جان یکدیگر

می‌دانند ولی در کون جلومی‌دهند، نامحرمان را در جمع محرمان می‌بینید و دم بر نمی‌آورند، برای دفاع از قلمی که تا دیروز کلامی جز در رنای دیکتاتور رقم نزنده، برای حمایت از قلمی که جز در راه استبداد برداشته نشد، به میدان می‌آیند و میهن را به آتش می‌کشند، دو برادر را به جان هم می‌اندازند و صحنه‌هایی پدید می‌آورند که چونان لکه سیاهی بر زندگی انقلاب پاکو مطهر ما می‌نشیند؟! نقش آنها چیست؟! نقش آنها که بهر طریق و با توسل بهر تزویج، دشمن را دوست و دوست را دشمن می‌نمایانند چیست؟! این کدام‌دست است که ما را بروشنگر

سوزی رگس از خاطر نمی‌بردم! چه خوب بود یادمان نمی‌رفت که هنوز هم مادرانی در گورستانها بسندبیل شهبان خود می‌گردند!! چه تاریخ پر اشک و خونی پشت سر ما از یاد رفته است، دریغ، دریغ که با اینهمه خودخواهی به کجا کشیده می‌شویم؟! کسی نیست از ما بپرسد اینهمه فریاد ایران خواهی!! در تجزیه‌ای انوعوار بحرین کجا بود؟! این عاشقان آزادی چرا هیچکدام، هیچکدام کلامی در رد آن قرارداد ننگین

به نام آزادی و به خاطر آزادی، بندها را محکم تر نکنیم

و غیر روشنگر، بزن و مرد، به فقیروغنی، تقسیم می‌کند و به جان هم می‌اندازد؟! چرا آزادی برای شکاف در صف متحد مردم حیاتی است ولی برای دفاع از

نگفتند و نوشته‌اند!! یادش بخیر آنکه با «چیستان» خود فاجعه را فریاد کرد. یادش بیشتر به خیرباد که پس از آن همه مقاومت بر سفره تقسیم نشست و سراپا به خدمت انقلاب درآمد و بارهای مثبت و منفی آن را به جان خریدار. راستی در اینستکه دولت موقت انقلاب، فضای انقلابی میهن را از یاد برده است و تصمیم‌ها و بازتاب‌هایش در برابر رخداد های اجتماعی انسان که لازمی انقلاب است، روشن و قاطع نمی‌باشد و گاه نیز بغاظر جبران سبیل‌انگاری‌ها و کوتاه آمدن‌ها، دست به کارهای غیر اصولی و عجولانه می‌زند، ولی در این میان نقش آنها که واقعیت‌ها را

چه تاریخ پر اشک و خونی پشت سر، ما از یاد رفته است

یگانگی غیرقابل تحمل و ارتجاعی؟! چرا چماق یکی ضد انقلاب است و باره اجر دیگری انقلابی؟! بی‌گمان، این هر دو، نادانسته آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و گورمی ضدانقلاب تاریخی خود را در راه دفاع از استقلال و آزادی ایران آیفنا نمود.

آن روز سیاه کودتا

بقیه از صفحه اول
بوسیله نیروی انتظامی محافظ خانه پیشوا دستگیر شد و بدین ترتیب کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ نافرجام ماند و شاه و نریا همسرش که در شمال بودند راه فرار پیش گرفتند و به ایتالیا پناهنده شدند. ۲۷ مرداد هندرس با عجله وارد تهران شد و با مصدق ملاقات کرد و رسماً اعلام داشت که دولت امریکا با تمام قوا از ادامه‌ی حکومت او جلوگیری خواهد کرد و به مصدق پیشنهاد کناره‌گیری نمود. مصدق با خشونت فرمان داد تا سفیر دولت امریکا را از خانه بیرون کنند و اعلام داشت که رابطه سیاسی دولت ایران با امریکا قطع می‌گردد و تلاش امریکا پس از این حادثه، برای سرنگونی حکومت ملی به اوج رسید. در فصل هفتم کتاب سیانوشستی انروتاس چنین مسی‌خوانیم «بهر حال سوارتسکف دست‌بردار نبود و ریاست‌غیر رسمی باجه پرداخت گروه ضد مصدق را به عهده گرفت. برخی از ایسرایان یکباره تروتمند شدند و طبق آنچه بعداً معلوم شد در مدت چند روز، سوارتسکف ناظر خرج بیش از ده میلیون دلار پول‌های سیا بوده است» سازمان سیا با کمک عناصر خود- فروخته ارتش و شهرپایی و بسا بسج و سه میدان کشیدن و لگزدان و استفاده از مردم بی‌فرهنگ و فرزده به گونه‌ی سیاهی لشکر، کودتایی را که مرحله به مرحله از سوی رهبری‌شده مستقماً به رئیس‌جمهور امریکا گزارش می‌گردید، به ثمر رسانید.

مفهومی دیگر از

کردن و فریاد برآوردن به خاک و خون کشیده خواهیم شد و به آموزش مولان دست دعا بلند خواهیم کرد!! بر این دوراهی بنگرید که کدام به بیراهه می‌رود و ایرانی برجا نمی‌گذارد تا شما سینه‌چاک آن باشید!!

چرا هوشیار نیستیم؟

بقیه از صفحه اول
بار نخست وزیر فرانسه به یکباره سفرش را به عراق آغاز کرد و مذاکراتش پیرامون افزایش صادرات نفت به فرانسه به موفقیت رسید. رسانه‌های گروهی خبر دادند که عراق هواپیماهای جنگی و سلاح‌های مدرنی از فرانسه خریداری خواهد کرد. آمریکا که بازار اسلحه و متافع حیاتی‌اش را در ایران در خطر می‌دید شروع به تقویت ارتش‌های مصر - اردن و پاکستان سعودی کرد. آنچنانکه برخی از ناظران سیاسی اظهار عقیده کردند که نقش‌زاندنم خلیج فارس را یکی از کشورهای منطقه بجز ایران برعهده خواهد گرفت. مدت زیادی از سفر نخست وزیر فرانسه از عراق نمی‌گذرد که احمد حسن البکر رئیس‌جمهور عراق به علت کمالت جای خود را به صدام حسین می‌دهد. همزمان با این تحولات هواپیماهای

داده‌های عراقی استخبارات! تعدادی از دهکده‌های مرزی کشور ما را بمباران می‌کند. لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق رسماً اعلام می‌کند که رژیم اسلامی حاضر در ایران برای عراق مورد توجه نیست و آنچه مورد توجه آنهاست پایان بخشیدن به بی-عدالتی در حق اقلیت عرب زبان در ایران است. از این گفتار چنین برمی‌آید که مشی سیاسی تازه عراق بر دخالت در امور داخلی همسایگانش استوار شده است. سیا و صدوزشیتان واشنگتن نیز بیکار ننشسته‌اند و مشغول تدارک یسک نیروی ضربتی برای حفظ منافع حیاتی ایالات‌متحده آمریکا در خلیج فارس هستند. براستی در مذاکرات سال ۲ و کنفرانس توکیو چه تصمیماتی گرفته شد و چه خطوط تازه‌ای برای استثمار ملت‌های مستعبدانه رسم گردید. چرا بعد از این تحولات در گوشه و کنار کشورمان نغمه‌های تازه‌ای ساز شد و چرا هوشیار نیستیم؟

یک نوع ارائه طریق

بقیه از صفحه ۲
های مستعد را بسته به موقعیت خاص ناحیه‌ای بصورت شبرک در آورد که البته باید در اینگونه موردها به نیازهای منطقه واستعداد ها توجه داشت.

جبهه ملی

را شعله‌ور می‌کنند. اگر در خانه در حریم مقدس خانواده، از پدر، مادر یا خواهر و برادرمان رنجیده خاطر شدیم، بر سفره می‌بایمان، قلمه‌ای کرنا خواهیم نواخت و دروه‌هایه راه فریاد خواهیم برآورد؟ یا حریم حرمت آنها را از خون و پوست و جانمان هستند حفظ خواهیم کرد و آن چهاردیواری را فسرو نخواهیم ریخت؟

با چماق سر برآورد نازیتمان را خرد کردن منطقی‌تر است یا او به‌مهرنشتن و مشکل را با سرپنجه منق کشون؟! اگر کوله‌بارمان صداقت است، مشکل این و آن روزنامه حل شدنی است، داوری عادلانه امکان‌پذیر است. و امید به گشادن همه گره‌های گوری که یسکه‌تازی‌ها و استثمار‌های پهلویان و داودوستی غارتگرشان بر بنیادهای اجتماعی ماتمیل کردند، بسیار و اگر تنها به خوشه‌چینی انقلاب دل بستیم و چشم بره‌می‌خطر-های موحشی که کام گشاده‌اند تا هستی ملی را فرو بلعند، بسته‌ایم، هشدار که بازگشت استعمار و استبداد، این بار دیگر ما را فرصت نمی‌نفس کشیدن نیز نخواهد داد و خردو کلانمان به تلافی آن سربلند

چهار دست‌پاگی ما از یاد رفته است

یگانگی غیرقابل تحمل و ارتجاعی؟! چرا چماق یکی ضد انقلاب است و باره اجر دیگری انقلابی؟! بی‌گمان، این هر دو، نادانسته آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و گورمی ضدانقلاب تاریخی خود را در راه دفاع از استقلال و آزادی ایران آیفنا نمود.

مفهومی دیگر از

کردن و فریاد برآوردن به خاک و خون کشیده خواهیم شد و به آموزش مولان دست دعا بلند خواهیم کرد!! بر این دوراهی بنگرید که کدام به بیراهه می‌رود و ایرانی برجا نمی‌گذارد تا شما سینه‌چاک آن باشید!!

چرا هوشیار نیستیم؟

بقیه از صفحه اول
بار نخست وزیر فرانسه به یکباره سفرش را به عراق آغاز کرد و مذاکراتش پیرامون افزایش صادرات نفت به فرانسه به موفقیت رسید. رسانه‌های گروهی خبر دادند که عراق هواپیماهای جنگی و سلاح‌های مدرنی از فرانسه خریداری خواهد کرد. آمریکا که بازار اسلحه و متافع حیاتی‌اش را در ایران در خطر می‌دید شروع به تقویت ارتش‌های مصر - اردن و پاکستان سعودی کرد. آنچنانکه برخی از ناظران سیاسی اظهار عقیده کردند که نقش‌زاندنم خلیج فارس را یکی از کشورهای منطقه بجز ایران برعهده خواهد گرفت. مدت زیادی از سفر نخست وزیر فرانسه از عراق نمی‌گذرد که احمد حسن البکر رئیس‌جمهور عراق به علت کمالت جای خود را به صدام حسین می‌دهد. همزمان با این تحولات هواپیماهای

یک نوع ارائه طریق

بقیه از صفحه ۲
های مستعد را بسته به موقعیت خاص ناحیه‌ای بصورت شبرک در آورد که البته باید در اینگونه موردها به نیازهای منطقه واستعداد ها توجه داشت.